



انترناسیونال

۲۹۱

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۱ فروردین ۱۳۸۸، ۱۰ آوریل ۲۰۰۹

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

المللی کار در اجلاس های این
سازمان نقش محوری دارد، پس
از ۳۲ سال ایران ریاست اجلاس
سالانه سازمان بین المللی کار را

تطهیر قاتلان کارگران و مردم ایران موقوف! جمهوری اسلامی باید از کنفرانس بین المللی کار اخراج شود!

روز یکشنبه ۱۶ فروردین (۵) اسلامی از قول جهمی وزیر کار
آپریل) خبرگزاری رسمی جمهوری اعلام کرد که: "جدا از اینکه
کشورمان در بسیاری از کمیته ها
و کمیسیون های سازمان بین

صفحه ۶



ستون اول

حمید تقوایی

اوباما و سیاست سازش با اسلام سیاسی

لایحه شنیع بردگی جنسی زنان که هفته
گذشته دولت کرزای به تصویب رساند يك نمونه
بارز و خصلت نمای رابطه آمریکا و اسلام
سیاسی در دوره بعد از بوش است. یعنی دوره
شکست نئو کنسرواتیسیسم و به بن بست رسیدن
سیاستهایی که از دوران تاچر در غرب در
دستور دولتها قرار گرفته بود.

اوباما با شعار تغییر و اساسا برای پیدا
کردن راهی برای برون رفت از این بن بست
بمیدان آمد. اما از همان آغاز روشن بود- و ما
هم این را اعلام کردیم- که نقش و رسالت
اوباما تحقق تغییری که مردم منتظر از بوش و
سیاستهایش خواهان آن هستند نیست بلکه
ایجاد خاکریزی در برابر تغییرات واقعی و
مطلوب مردم است. اکنون بر همه روشن شده
است که اوباما در واقع همان اهداف و
سیاستهای دوره بوش را به طرق دیگری به
پیش میبرد. تفاوت در شیوه ها است و نه در
مضمون. اهداف و مضمون سیاست اوباما نیز
تأمین هژمونی و سرکردگی آمریکا به رقبای
جهانی اش (امری که رئیس جمهورها و
مقامات آمریکائی سنتا آنرا "تأمین رهبری
آمریکا" در جهان مینامند) در دوره بعد از
جنگ سرد است. بوش این استراتژی را به اتکا
به قدرتمانی نظامی و "حمله پیشگیرانه" و
جنگ و تهدید به جنگ به پیش میبرد، اما با
بن بست عراق و افغانستان تاریخ مصرف این
تاکتیک به سر رسید و طبقه حاکمه آمریکا
بناگزیر به شیوه های سنتی تر دیپلماسی و
مصالحه و مذاکره روی آورد. این تغییر ناگزیر
تاکتیکی برای تحقق اهداف هژمونی طلبانه

به این تعرض بیشرمانه به حقوق زنان اعتراض کنید!

جهمی برای زنان

زیر پای قوانین اسلام در افغانستان

ص 3

مینا احدی



مکس از تظاهرات پیشین زنان در افغانستان در دفاع از ملای جویا

اینها زنان آزادیخواه و برابری طلب هستند که از پشت قفس اسلامی
به نام برقه و زیر ساطور شیوخ لپمن اسلامی افغانستان - همان
لپنهایی که با بند و بست دو قطب تروریسم جهانی بر زندگی مردم
افغانستان حاکم شده اند - فریاد آزادی و برابری سر میدهند.

زنده باد آزادی و برابری زنان

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود

ص 4

شهلا دانشفر

کانال جدید به کمک مالی شما نیاز عاجل دارد

صفحه ۷

اجلاس گروه ۲۰ و آلترناتیوها

ص 5

محمد کاظمی

صدای مردم در کانال جدید

اول ماه مه، روز تظاهرات سراسری

دو برنامه از

رضا مرادی و اصغر کریمی

صفحه ۸

اعتصاب قدرتمند کارگران نیشکر

هفت تپه مدیریت را عقب راند

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

صفحه ۲

از صفحه ۱ اوباما و سیاست سازش ...

ای که از پایان دوره جنگ سرد در دستور همه هیات حاکمه های آمریکا قرار داشته است، تمام آن تغییری است که در عرصه سیاست بین المللی قرار است آقای اوباما را از بوش متمایز کند. (در عرصه سیاستهای اقتصادی، که سیاست کمکه های صدها میلیارد دلاری به بانکها و کمپانیهای در حال ورشکستگی همچنان دنبال میشود، این تغییرات از این هم نازل تر است. اینجا تغییر محدود است به رده بندی کمپانیها بر اساس میزان کمک مالیشان به کاندیداهای انتخاباتی حزب دموکرات و یا جمهوریخواه! اما این موضوع بحث جداگانه ای است.)

جانشین شدن تهدید و حمله نظامی با دیپلماسی مذاکره بیش از هر چیز در برخورد دولت آمریکا به اسلام سیاسی خود را نشان میدهد و اینجاست که لایحه بردگی جنسی مصوبه دولت کرای کته ارتجاعی و ضد انسانی سیاستهای جدید و قدیم آمریکا را در برخورد به اسلام سیاسی یکجا بر ملا میکند. دولت اوباما تصمیم دارد بخش "معتدل" نیروهای طالبان را در دولت کرای - که خود محصول سیاستهای دوره بوش است - شرکت بدهد و لایحه بیحقوقی زن قرار است امتیازی به این طالبان معتدل باشد! مردم افغانستان مرغ عزای و عروسی شده اند. هم در جنگ آمریکا و طالبان باید قربانی بشوند و هم در صلحشان.

از نقطه نظر مردم در افغانستان و در کل کشورهای اسلامزده، نیروهای اسلامی، چه در کنار آمریکا و چه در مقابل آمریکا، تروریست و وحشی و ارتجاعی هستند. تنها تفاوت اینجا است که اگر دولت آمریکا در دوره بوش در جنگ با نیروهای اسلامی از مردم قربانی میگرد، امروز با حمایت از نیروهای اسلامی "معتدل" و چشم بستن به جنایاتی نظیر لایحه ضد زن دولت کرای سیاستهای تروریستی خودش را ادامه میدهد. حزب ما مدتهاست، مشخصا از بعد از یازده سپتامبر، منازعه و کشمکش میان دولتهای غربی و نیروهای اسلامی را جنگ تروریستها نامید. اما تروریستها در صلح شان کرده ایم که منازعه و یا مصالحه بین دولتهای غربی و نیروهای اسلامی کلا در کمپ ارتجاع جهانی و در مقابل مردم متدین جهان صورت میگیرد و ربطی به منافع مردم ندارد. و امروز مثال دولت کرای نشان میدهد هر اندازه این نیروها به هم نزدیک بشوند در میزان جنایاتشان نسبت به مردم تغییری داده نمیشود.

دولت آمریکا (و سایر دول غرب) هیچگاه، چه آن زمان که بوش در شیپور جنگ با تروریسم اسلامی و محور شرارت میدمید و چه امروز که اوباما با احترام متقابل و وجوه مشترک غرب و جهان اسلام دم میزند، اعتراض و انتقادی به مضمون سیاستهای وحشیانه و قرون وسطانی نیروهای اسلامی نداشته است. تروریسم اسلامی از نظر این دولتها به عملیات تروریستی اسلامیون علیه شهروندان کشورهای غربی و اسرائیل محدود بوده است. اینکه نیروها و دولتهای اسلامی علیه مردم در خود کشورهای اسلامزده چه جنایاتی مرتکب میشوند - از تعزیر و قصاص و اعدام و شلاق و سنگسار و دیگر شکنجه های شرعی تا تحمیل بیحقوقی مفرط و تحقیر و توهین به زنان و تا اعدامهای جمعی نظیر قتل عام زندانیان سیاسی در ایران در تابستان 67 و غیره - اینها هرگز مورد توجه دولتهای غربی نبوده است. اما حتی همان ادعای دفاع از شهروندان کشورهای خود غرب در مقابل تروریسم اسلامی نیز شکل ظاهری حل و فصل مسائل دیگری است. در پس پرده یک کشمکش بر سر سهم خواهی در قدرت سیاسی و برسمیت شناخته شدن در صحنه سیاست جهانی (از جانب نیروهای اسلامی) و از سوی دیگر اعمال کنترل و هژمونی از جانب دول غربی در جریان بوده است. آنچه دولتهای غربی نمیتوانند تحمل کنند عدم تبعیت نیروهای اسلامی از سیاستهای جهانی و منطق ای آنها و مزاحمتهائی است که در سر راه پیشبرد این سیاستها ایجاد میکنند. (و هر جا به هم حقوق بشر متوسل میشوند برای تحت فشار قراردادن نیروها و دولتهای اسلامی و به عقب راندن آنها در این عرصه ها است و بس.)

این جنگ قدرت سابقه چندین دهساله دارد و خود نشانی ای از گنبدگی و سترونی سرمایه داری عصر ما است. در ابتدا هر جا که منافع دولت آمریکا و سایر دولتهای

غرب ایجاب میکرد نیروهای اسلامی - طالبان در افغانستان، نیروهای شیعه جنوب عراق در برابر صدام، خمینی در ایران برای جلوگیری از قدرت گیری چپ در انقلاب 57 - را خود ایجاد کردند و یا تحت حمایت قرار دادند و بجلو صحنه سیاست راندند. این نیروهای اسلامی و شاخه های جدیدترشان نظیر القاعده بعد از فروپاشی بلوک شرق بر زمینه به هم ریختگی توازن قوا در دنیای بعد از شوروی و افسار گسیختگی نیروهای قومی مذهبی - و در بسیاری مناطق نظیر اروپای شرقی و جمهوری های سابق شوروی باز با حمایت خود دول غربی - میدانی برای خود نمائی و عرض اندام در در کشورهای اسلامزده پیدا کردند و برای سهم خواهی از قدرت سیاسی در نظم نوین جهانی در برابر دولت آمریکا و دول غربی قرار گرفتند. یازده سپتامبر نقطه اوج این تقابل بود. بدنبال یازده سپتامبر طبقه حاکمه آمریکا زمینه را برای گسترش نفوذ خود در خاورمیانه و کلا تثبیت موقعیت خود بعنوان تنها قطب بلامنزاع جهان بعد از جنگ سرد مناسب دید. تروریسم اسلامی بعنوان محور شر - بجای امپراتوری ش شوروی - دنیا معرفی شد و بوش بعنوان رهبر دموکراسی و سرمایه داری بازار آزاد به تروریسم اسلامی اعلان جنگ داد. و این جنگ - و مشخصا حمله به افغانستان و عراق - بنویه خود زمینه های سیاسی و اجتماعی رشد بیشتر نیروهای اسلامی در خاورمیانه و در سایر کشورهای اسلامزده را فراهم کرد.

این چرخه ترور و جنایت امروز با ورشکستگی اقتصادی - اجتماعی - سیاسی نئوکنسرواتیسم در راس تروریسم دولتی غرب، وارد فاز تازه ای شده است. مرحله ای که میتوان آنرا دوره پیدا کردن یک نقطه تعادل برای همزیستی سیاسی اسلام سیاسی و بورژوازی غرب نامید. از جانب نیروهای اسلامی آنجا که هنوز در اپوزیسیون هستند و یا نقششان در دولت و سیاست تثبیت نشده و برسمت شناخته نمیشود - مانند لبنان و فلسطین و پاکستان و افغانستان و عراق - این میتواند یک پیشرفت به نظر برسد. گویا اسلامیون دارند محصول ترورهایشان را درو میکنند. چنین به نظر میرسد که این روند میتواند به مشروعیت سیاسی و برسمیت شناخته شدن این نیروها از جانب دولتهای غربی - و

لذا در سراسر دنیا - منجر شود و در نتیجه سهم خواهی این نیروها در قدرت - امری که از ابتدا علت وجودی اسلام سیاسی بود - جامه عمل بپوشد. اما این سرابی بیش نیست. علاوه بر اینکه در مورد جمهوری اسلامی - یعنی تنها کشوری که اسلام سیاسی "ضد آمریکائی" فی الحال در قدرت است - چنین "پیشروی" هائی تنها موجب تضعیف بیشتر رژیم خواهد شد - که پائین تر توضیح میدهم - برای دیگر نیروهای اسلامی نیز برسمیت شناخته شدن از جانب غرب و بقدرت رسیدن در معیت آمریکا آغاز حل و مستحیل شدن این نیروها در جنبشهای سیاسی متعارف تر و سابقه دارتر نظیر ناسیونالیسم و اشکال حکومتی خاص کشورهای جهان سومی نظیر دیکتاتوریهائی سلطنتی، قبیله ای، نظامی و یا جمهوریهای مادام العمر حداکثر با یک ظاهر اسلامی خواهد بود. دولت کرای ومالکی - یعنی شاخه پرو آمریکائی اسلام سیاسی در حال حاضر - نمونه جنینی چنین حکومتی است با این تفاوت که امروز شاخه ضد آمریکائی اسلام سیاسی هنوز وجود دارد و فعال است و در نتیجه این نوع دولتها ناگزیرند مایه اسلامی غلیظی داشته باشند. عبارت دیگر اینها نقطه سازشهای امروزی بورژوازی غرب - و بورژوازی خود این کشورها - با جریانات اسلامی هستند و طبعاً موازنه قوای امروزی را منعکس میکنند. در شرایطی که اغلب نیروهای اسلامی به غرب نزدیک بشوند و مقتدی صدها و بن لادنها و خالد مشعلها جای خود را به امثال کرای و مالکی بدهند این نقطه سازش به نفع غرب و به ضرر جنبش اسلام سیاسی تغییر خواهد کرد و از اسلامیت این نیروها - و دولتها - چیز زیادی باقی نخواهد ماند. در این شرایط عاملی که همه این بساط و نقطه سازشها را به هم میریزد - یا عبارت صحیحتر از زمینه مساعدی برای عرض اندام و بهم ریختن توازن قوای بالائینها برخوردار است - کارگران و مردم معترضی هستند که نمیخواهند و نمیتوانند در قرن بیست و یکم به ملزومات بورژوازی جهانی و محلی تن بدهند. امروز در دوره بی افقی و ورشکستگی کامل سرمایه داری جهانی - در شکل اقتصاد دولتی نوع بلوک شرقی و سرمایه داری بازار آزاد نوع غربی اش هر دو - به سر میریم و این دوره عروج چپ و

آزادخواهی نوع چپ است. حکومتهای دیکتاتوری شاهها و خونتاهای نظامی و یا رئیس جمهورهای مادام العمر نمیتوانند ابزار مناسبی برای حل و فصل تنگنایهای سرمایه داری و کنترل مردم بجان آمده باشند. (و اگر بودند در سی سال پیش بورژوازی نیازی به توسل به اسلامیون در برابر انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران نداشت). امروز دیگر بعد از تجربه ایران، اسلامیون هم نمیتوانند. رسیدن به یک توازن قوا و یا نقطه تعادل تازه میان بورژوازی غرب و نیروهای اسلامی، هر اندازه هم که هر دو به آن رضایت بدهند، در خلا اتفاق نیافتد. نیروی مردم بجان آمده از نظم اقتصادی و سیاسی سرمایه داری، مردم جهان متدین، این معادلات را هر دم به هم میریزد و هر طرح ظاهرا پایداری را در هم می پیچد.

جامعه ایران نمونه بارز این ایفای نقش مردم در ناپایدار کردن شرایط برای حکومت است. هم بورژوازی جهانی و دولتایشان و هم بورژوازی ایران در اپوزیسیون و در حکومت، با حفظ و بقای نظام جمهوری اسلامی مشکل دارد، و بحران و بی ثباتی و نامعلوم بودن آینده خصلت و وصف حال همیشگی روابط غرب و آمریکا با رژیم، و مناسبات میان خود جناحهای رژیم با یکدیگر و با نیروهای اپوزیسیون راست بوده است. ریشه این بحران در پایه ای ترین سطح ناتوانی رژیم، که اساسا برای سرکوب انقلاب 57 ایران و دولتهای غربی در ایجاد یک سیستم اقتصادی و سیاسی و فرهنگی متعارف و با ثبات در جامعه است. جمهوری اسلامی، برخلاف نیروهای اسلامی دیگر مثل القاعده و یا حماس و دولت کرای و شیعیان جنوب عراق، در پاسخ به یک سرکوب آن روی کار آمد و به همین دلیل گرچه انقلاب را در هم کوبید اما از همان بدو بقدرت رسیدن در مقابل خواستها و مطالبات و از همین رو مدام با بحران و بی ثباتی دست بگریبان بوده است.

تا آنجا که به رابطه رژیم ایران با آمریکا مربوط میشود ما همیشه بر این واقعیت تاکید کرده ایم که "ضد آمریکائی گری" یک پایه هویتی حکومت و تعریفی است



مینا احدی

میشوند این شمایی از زندگی زنان و مردم در افغانستان تحت حمایت ناتو و دولتهای غربی است

امروز اوضاع در افغانستان از بد هم

بتر میشود و به زنان حمله بیشتری میشود تا دل طالبان به دست آمده و کزازی کمی بیش از اینها بماند و حکومت کند. درست در شرایطی که اواما به جریانات اسلامی و دولت جمهوری اسلامی ایران و "بخش ملایمتر" طالبان پیام مودت و دوستی داده و سیاست دولت آمریکا را هضم این جریانات و همکاری با باندهای ضد زن و تروریست اعلام میکند، فرمان حمله به زنان در درون رختخوابها و در کنج خانه ها داده میشود. حلالی که جزئی از فرهنگ و قوانین جوامع اسلام زده بوده ولی امروز رسمیت بیشتری می یابد و دست مردان را در حمله به زنان باز هم بازر می کند.

زن در افغانستان، زن محبوس در برقع، زن اسیر قوانین ارتجاعی اسلامی، زن اسیر طالبان که در خانه کاملاً محبوس شده و حق زندگی و حیات آنها را طبق قانون به مردان سپرده اند، زیر سلطه قوانین و فرهنگی است که تحت نظارت ناتو و حاکمیت کزازی غالب شده است. اینک به مردان اجازه میدهند که به زنان طبق قانون تجاوز کنند و عدم تمکین زنان را طبق قانون با شلاق و کتک زدن و با قتل و سنگسار پاسخ میگویند باید گفت از نعمات همپیمانی اسلام سیاسی و دولتهای غربی است. این لجام گسیختگی جنبش اسلامی در مقابل تن و بدن زنان و در مقابل حرمت انسانی زنان است که مرزها را در می نوردد و حتی به زنان اجازه نفس کشیدن نمیدهد. دنیای متمدن تحت تاثیر میدیای امروز ظاهراً قرار است دم بر نیورد و از کنار این همه جنایت بگذرد و سکوت کند. آید دنیا به این تعرض وحشیانه

به این تعرض بیشتر مانده به حقوق زنان اعتراض کنید!

جهنمی برای زنان زیر پای قوانین اسلام در افغانستان

به فقر و تن فروشی و به زندگی برده واری شبیه قرون وسطی مجبور شده اند. برقع، امروز علم و پرچم اسلام در این کشور است برقع، نمایش آشکار زندانی شدن زنان و دیدن دنیا از پشت میله های زندان برای زنان است. کزازی میخواهد حتی این حرکت زنان با سلول افرادی آنها را در شهرها و مراکز عمومی ممنوع کند و زنان را وادار سازد که در خانه ها محبوس بمانند و از گرسنگی و فقر، و از تجاوز و بی حقوقی دم بر نیارند. این قانون خدمتی است به جریانات مرتجع و قرون وسطایی اسلامی که حکومت کند و بچاپند و بمانند.

دولتهای غربی تا کنون در مقابل این تجاوز لجام گسیخته جریانات اسلامی به حقوق و حرمت و انسانیت زنان، سکوت کرده و چشم فرو بسته اند. در حالیکه هزاران زن قربانی باندهای تروریست اسلامی شده اند، صدها نفر سنگسار و هزاران زن شغل و کار و ممر در آمد خود را از دست داده اند، میلیونها زن زیر پای باندهای تروریست اسلامی له شده اند، دولتهای غربی، با توجیه این جنایات از "فرهنگ و حقوق اسلامی" دم میزدند. این دولتها با حاکمین ایران و افغانستان و سودان و عربستان سعودی و عراق و... دست دوستی میدهند و به دنبال معاملات سیاسی اقتصادی خود هستند. حکومت حاکم بر افغانستان هم یک حکومت اسلامی دست ساز همین دولتهای غربی است. در این حکومت کماکان زنان از حقوق انسانی خود محروم بوده و در عین حال زنان و دختران زیادی قربانی دست اندازی باندهای طالبان و دیگر اسلامیهای جنایتکار هستند. بدلیل مدرسه رفتن و یا رفت و آمد در خیابان و یا دفاع از حقوق انسانی خود به آتش کشیده شده و یا ترور

زنان و یا اعمال محدودیت به رفت و آمد زنان و محلول بودن حق بیرون رفتن از خانه، عملاً رایج است، ولی نوشتن این کلمات روی کاغذ و تصویب آن بصورت قانون، حمله وحشیانه و بی شرمانه دیگری به حقوق زنان و در تحمیل بی حقوقی مطلق به زنان است. دولت کزازی با این قانون، وقاحت و بیشرمی را به نهایت درجه رسانده و با تصویب این قانون از طالبانها، فریاد حمایت و خوشحالی می شنود. این اتفاق اما نه فقط حمله به زنان "شیعه" در افغانستان، بلکه حمله به حقوق همه زنان در افغانستان و در کشورهای اسلام زده و همچنین حمله به حقوق و حرمت زنان در همه جا است.

شنیدن خبر این واقعه، هر انسان آزادیخواه و هر انسان معمولی در این قرن را به شوک و در عین حال ابراز نفرت و انزجار وادار میکند چطور ممکن است در این قرن مشتی فاسد و جنایتکار اسلامی، که سالهای سال است زندگی زنان را با تحمیل جداسازی و آپارتاید جنسی، با محروم کردن از حق انتخاب همسر، با تحمیل حجاب اسلامی و همه قوانین ارتجاعی اسلامی به جهنم تبدیل کرده اند، اکنون یک گام دیگر به جلو برداشته و از آنها رسماً میخواهند که به تجاوز همسرانشان قانوناً تن داده و طبق قانون در خانه محبوس شوند. تصویب این قانون وقاحت و بیشرمی جریانات اسلامی را نشان میدهد و کزازی با این قانون میخواهد به طالبان و اسلامیها امتیاز بیشتری داده و از حکومت پوشالی خود به این نحو دفاع کند.

افغانستان سالهای سال است که صحنه تاخت و تاز جنبش اسلامی است. در این کشور هزاران زن قربانی قوانین وحشیانه اسلامی شده و هزاران و میلیونها زن بدلیل جنگ و ترور و تسلط حکومتهای اسلامی،

هفته گذشته، اولین بار روزنامه گاردین، از یک واقعه سیاسی مهم در افغانستان پرده برداشت. خیر گاردین، تکمیل نبود و مجله اینترتی اشپیگل در آلمان، متن قانونی را چاپ کرد که در افغانستان به تصویب رسیده بود. در رسانه ها اخبار مربوط به جنبش اسلامی و اسلام سیاسی و دولتهای اسلامی را از ترس بمب گذاری انتحارکنندگان و یا طبق سیاست رسمی دولتهای "خودی" چندان منعکس نمیکند. در مورد این اخبار "لطف" بخرج داده، این بار علناً از تجاوز رسمی به زنان و حق تجاوز کردن مردان حرف زده شد. آش چنان شور بود که آنجلا مرکل صدراعظم آلمان و وزیر امور خارجه او، روسای تعدادی از دولتهای اروپایی و رئیس ناتو، به این قانون اعتراض کردند و این قانون را غیر قابل پذیرش و اجازه رسمی تجاوز دادن به مردان اعلام کردند و در مقابل آن ایستادند. موضوع از چه قرار است؟

کزازی، قانونی را در اواخر ماه مارس امضا کرده که در آن زنان "شیعه" را موظف میکرد که حداقل چهار شب یکبار با همسرانشان رابطه جنسی داشته و همچنین رسماً در این قانون زنان را موظف کرده اند که برای بیرون رفتن از خانه، اجازه مردان خود را داشته باشند. زنان حق بیرون رفتن از خانه را ندارند مگر با اجازه همسر و مگر در موارد اضطراری و پزشکی....!

این اتفاق در مقابل چشمان همه ما و در قرن بیست و یک اتفاق می افتد. اگر چه در کشورهای اسلام زده و در ایران و افغانستان و عراق و پاکستان و سودان و غیره این موضوعات یعنی تجاوز رسمی به

در اعتراض به جهنم اسلامی حاکم بر زنان و مردم افغانستان دنیا باید آپارتاید جنسی را ملغی اعلام کند!

بردی که تمام عیار جنسی، قانون اخیر چنان مضمّن کننده و ضد بشری است که حتی وزیر امور خارجه آمریکا اظهار نگرانی کرده و فرمانده ناتو هم صدایش درآمده است که نمی تواند جنگ فعلی در افغانستان را نزد افکار عمومی غرب توجیه کند. اما مگر آمریکا قرار نیست "طالبان میانه رو" را به دولت افغانستان وارد کند؟ و این قانون مگر چیزی جز قانون طالبان است! بعلاوه مگر دولت فعلی افغانستان جز "طالبان میانه رو" یا بعبارت صحیح تر اسلام سیاسی خوش خیم و پروغرب چیزی دیگری بوده است؟ قانون اخیر در نهایت

موصول شرایطی است که همه این حضرات بوجود آورده اند. تنها جلوه ای از جهنم وحشتناکی است که سالهاست در افغانستان و بویژه علیه زنان جریان دارد. حزب کمونیست کارگری ایران، ضمن ابراز انزجار عمیق خود، قانون اخیر و دولت اسلامی افغانستان و حامیانش را شدیداً محکوم میکند. این قانون باید بلافاصله ملغی شود. حزب از مبارزات زنان و جریانات مترقی در افغانستان و همه کسانی که برای پایان دادن به این بردگی شرم آور زنان تلاش میکنند و خواهان برقراری آزادی و برابری در این کشور هستند حمایت میکنند و به سهم

بردی که عهده باستان قابل قیاس است روبرو هستند. این آپارتاید جنسی، این بردگی باید ملغی شود. قوانین مربوط به حجاب و هرگونه جدا کردن دختران و پسران و زنان و مردان باید همه جا محکوم و غیر قابل قبول اعلام شود. حزب ما سالهاست که در این زمینه فعالانه مبارزه میکند و اکنون در حمایت از زنان و مردم افغانستان به تلاش خود برای بسیج نیرویی هرچه وسیع تر برای الغاء آپارتاید جنسی در جهان شلت و گسترش خواهد داد. زنده باد برابری بی قید و شرط زن و مرد در سراسر جهان! آپارتاید جنسی باید از گره زمین و جده سودا حزب کمونیست کارگری ایران

حقوقی همه جانبه و شرم آوری که تنها با

۴ آوریل ۲۰۰۹، ۱۵ فروردین ۱۳۸۸

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود



شهلا دانشفر

نیستند. و خواهان انحلال آنها و کوتاه شدن دستشان از مبارزات خود شده اند. اکنون همین خواست و همین اعتراض، باید انعکاس جهانی پیدا کند. باید آنرا در سطح جهانی مطرح کرد و خطاب به اتحادیه ها و ارگانهای کارگری در سراسر جهان و در آی ال او اعلام کرد که شوراها و اسلامی و خانه کارگر ایادی حکومت هستند که به آی ال او به عنوان نماینده کارگران اعزام میشوند. اعلام کرد که این یک دروغ و یک توهین آشکار به طبقه کارگر در ایران است. و با این کار صدای اعتراض خود را علیه حضور هیات جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار و اجلاس آن هر چه رساتر بلند کرد.

باید کارگران اعلام کنند که شوراها و اسلامی و خانه کارگر، نمایندگان ما کارگران نیستند. سرکوبگران ما کارگراند. باید کارگران اعلام کنند که جمهوری اسلامی، حکومتی است ضد کارگر و باید از سازمان جهانی کار اخراج شود و اعلام کنند که ما کارگران حق داریم که نمایندگان واقعی خود را به سازمان جهانی کار بفرستیم. باید در همه مراکز کارگری این موضوع به بحث مجامع عمومی کارگران تبدیل شوند و ما شاهد گسیل نامه های اعتراضی از سوی کارگران و نیز از سوی همه بخش های جامعه با اجلاس سازمان جهانی کار باشیم. در واقع یک شرط مهم برای منزوی کردن جمهوری اسلامی در سطح جهانی و امروز بطور مشخص اخراج آن از سازمان جهانی کار، به تحرك آمدن كل جامعه و كل كارگران است و باید وسیعا برای آن تلاش کرد. آنوقت با قدرت متحد تر و گسترده تری خواهیم توانست این خواست را به پیش بریم و آنرا به دستور اجلاس سازمان جهانی کار تبدیل کنیم. در ادامه چنین حرکتی است که میتوانیم کارزار موثر و وسیعی بر سر این موضوع به پیش بریم. کارزار قدرتمندی که در آن طبقه کارگر و کل مردم ایران با پرچم جمهوری اسلامی را به رسمیت نشناسید، جمهوری اسلامی را از نهادهای بین المللی جهانی اخراج کنید، جمهوری اسلامی را از سازمان جهانی کار اخراج کنید و غیره در سطح جهانی ظاهر شود و این خواست را به گوش جهانیان برساند. باید برای آن حرکت کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران با تمام

کارگران و مردم با این رژیم هستیم. باید از جهانیان خواست که در کنار مبارزات مردم قرار گیرند و به دولتهای غرب و همه دولتی که سیاست ماشاات با این رژیم را در پیش گرفته اند، فشار آورد و سیاست تحریم سیاسی جمهوری اسلامی در سطح جهانی را بر آنها تحمیل کرد. بویژه رشد اعتراضات کارگران و بخش های مختلف جامعه و انعکاس جهانی آن، باعث شده که توجه جهانیان بیش از هر وقت به جنبش کارگری و مبارزات حق طلبانه مردم ایران معطوف گردد. از جمله ما روزهای جهانی ای چون ۱۵ فوریه ۲۰۰۶، ۱۹ اوت ۲۰۰۷، ۷ سپتامبر ۲۰۰۷ و ۶ مارس ۲۰۰۸ را در همبستگی با مبارزات کارگران و مردم در ایران داشتیم و جلب چنین سطحی از همبستگی جهانی خود نقطه قدرت بزرگی است که اکنون ما را در موقعیت بسیار بهتری برای پیشبرد سیاست انزوی جمهوری اسلامی در سطح جهانی قرار داده است. و ما با تمام قوا برای آن تلاش میکنیم.

همچنین این موضوع باید مورد اعتراض وسیع كل جامعه ایران معلمان، پرستاران، دانشجویان، خانواده های زندانیان سیاسی، خانواده های جانبختگان راه آزادی و همه انسانهای معترض در جامعه قرار گیرد. باید تمامی تشکلهای کارگری که با تلاش خود کارگران شکل گرفته اند، همه نهادهایی که در دفاع از حقوق کودک و یا در دفاع از حقوق برابر زن و مرد فعالیت میکنند، و تمامی نهادهای مدافع حقوق انسان، نیر صدای اعتراض خود را به این پیشرو آشکار سازمان جهانی کار، در سطح جهانی اعلام کنند.

جمهوری اسلامی سالهاست که ایادی خود، پادوهای خانه کارگر را بعنوان نمایندگان کارگران به سازمان جهانی کار میفرستد، این از اساس توهین و لگد مال کردن حقوق پایه ای طبقه کارگر در ایران است. در بسیاری از مبارزات کارگری ما شاهد این بوده ایم که کارگران شوراها و اسلامی در کارخانجات را به رسمیت نشناخته، خواهان انحلال آن و ایجاد تشکلهای آزاد و مستقل خود شده اند. این را در مبارزات کارگران شرکت واحد و هفت تپه، کیان تایر و خیلی جاهای دیگر شاهد بوده ایم و کارگران رسماً اعلام کرده اند که این ها تشکل ما کارگران

در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار، هر ساله نمایندگان دولتها، کارفرمایان و به گفته خودشان نمایندگان کارگران جمع میشوند و بر سر شرایط کار کارگران و مقاله نامه های جهانی به بحث می نشینند. یک بخش وسیع از شرکت کنندگان این اجلاسها نمایندگان اتحادیه های کارگری از سراسر جهان است. بحث بر سر ریاست جمهوری اسلامی در این اجلاس بیش از پیش ماهیت و جایگاه این سازمان را که بطور واقعی نیز در راستای سیاستهای جهانی آمریکا و غرب و سازمان ملل فعالیت دارد، نشان میدهد. بنابراین اینکه جمهوری اسلامی بعنوان ریاست این اجلاس انتخاب شود، عملاً در راستای سیاست "عادیسازی" روابط بین دولت آمریکا و جمهوری اسلامی، و اتخاذ سیاست مذاکره و به نوعی رام و تعدیل شده در قبال ایران و اسلام سیاسی است.

اما واقعیت اینست که متحقق کردن چنین سیاسی هم برای ایران و هم برای آمریکا و غرب بها خواهد داشت. همانطور که بارها تاکید کرده ایم هر دو طرف در عین کشاکش های پایه ای که با هم دارند، امروز در اوج بن بست خود به چنین بازی سیاسی ای دست برده اند و تا آنجا که به ایران بر میگردد، در شرایطی که جامعه در التهاب مبارزه میسوزد، اتخاذ چنین سیاستی بیش از پیش به خشم و اعتراض جامعه شدت میدهد. مردم ایران در برابر این رژیم و این سازش جهانی خواهند ایستاد. از همین رو و تحت چنین شرایطی، عرصه منزوی کردن جمهوری اسلامی در سطح جهانی و تلاش برای بیرون کردن این رژیم از تمامی مراجع بین المللی و جلب حمایت افکار جهانی بشریت متمدن در جهت متحقق کردن این مبارزه، امروز بیش از هر وقت اهمیت دارد.

در سال گذشته جمهوری اسلامی به سرکوب جنبش اعتراضی کارگران و بخش های مختلف جامعه شدت داد. کارگران را بخاطر برگزاری اول مه و دفاع از حقوق برحقشان به اسارت گرفت و برایشان احکام شلاق صادر کرد و احکام شلاق را به اجرا گذاشت، بر اجرای احکام اعدام و سنگسار و تشدید فشار بر روی فعالین و رهبران کارگری و فعالین اعتراضی در بخش های مختلف جامعه شدت داد و امروز ما شاهد يك کشاکش هر روزه

نود و هشتمین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار (آی ال او)، در فاصله ۳ ژوئن تا ۱۹ ژوئن (۲۹ - ۱۳ خرداد) برگزار خواهد شد. شرکت جمهوری اسلامی در این اجلاس و بدتر از آن بنا به گفته جهرمی وزیر کار جمهوری اسلامی که ایران ریاست این اجلاس را برعهده دارد، توهینی آشکار به کارگران و مردم ایران و به مبارزات برحق آنهاست. باید وسیعا اعتراض خود را به این سازمان اعلام کنیم.

جمهوری اسلامی هیچ مشروعیتی ندارد. جمهوری اسلامی قاتل مردم ایران است و این رژیم شلاق، این رژیم آپارتاید جنسی، این رژیم سنگسار، این رژیم اعدام، و این رژیم جنایتکار و ضد کارگر و ضد انسان، باید با وسیع ترین تحریم سیاسی در سطح بین المللی پاسخ گیرد و تحت شدیدترین فشارها قرار گیرد. ما به جهانیان اعلام میکنیم که ما خواهان طرد و اخراج جمهوری اسلامی از تمامی سازمانها و مراجع بین المللی و بسته شدن سفارت خانه های آن در همه کشورها هستیم.

پیشبرد و تحمیل این خواست در سطح جهانی يك جبهه مهم از مبارزه ما برای به زیر کشیدن رژیم اسلامی است و ما با تمام قوا برای آن تلاش میکنیم. امسال نیز همزمان با اجلاس سالانه این سازمان در خرداد ماه، در آنجا حضور پیدا خواهیم کرد و جهانیان را از اعتراض خود آگاه خواهیم ساخت.

طبعاً ما سالهاست برخواست اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار تاکید کرده ایم. هر ساله با برپایی آکسیونهای اعتراضی در مقابل کنفرانس های آن، تلاش کرده ایم توجه افکار بین المللی را به خواست برحقمان برای اخراج جمهوری اسلامی از تمامی مراجع بین المللی جلب کنیم. اما امسال موضوع متفاوت تر از هر سال است. امسال جهرمی دارد از ریاست جمهوری اسلامی در این اجلاس سخن میگوید. این موضوع بیش از هر چیز بیانگر ساخت و پاخت های پنهانی در پشت این ماجرا و اوج بیشرمی و ماشاات سازمان جهانی کار است که چنین آشکارا در برابر اعتراضات مردم و کارگران ایران شانه بالا انداخته و در کنار جمهوری اسلامی ایستاده است. باید این سیاست راست و ضد کارگری سازمان جهانی کار را در سطح جهانی افشا و مورد اعتراض قرار داد.

قوانین سیاست را به پیش خواهد برد. همانطور که در سه سال گذشته چنین کردیم سه سال قبل بود که بهرام سروش به نمایندگی از طرف کمیته همبستگی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار حضور یافت و پشت تریبون رفت و به عنوان نماینده کارگران در ایران سخن گفت. در سال ۲۰۰۷ جلیل جلیلی یکی دیگر از کادرهای حزب کمونیست کارگری بود که به همراه هیاتی به این اجلاس راه پیدا کرد و پرچم جمهوری اسلامی را به علامت اعتراض کارگران و مردم ایران به پایین کشید و در سال گذشته نیز ما آکسیون اعتراضی خود را در برابر اجلاس سازمان جهانی کار برگزار کردیم. امسال نیز ما تلاش خواهیم کرد با تدارک همه جانبه تری در کنفرانس سازمان جهانی کار حضور یابیم و در آنجا صدای اعتراض کارگران در ایران به حضور هیات جمهوری اسلامی در این اجلاس باشیم و خواهان اخراج آن از این سازمان شویم. تلاش خواهیم کرد که خواست اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار (آی ال او) را هر چه بیشتر در میان اتحادیه های کارگری و در میان سازمان دهندگان کنفرانس سالانه آن مطرح کنیم، و از آنها بخواهیم که به دولتهایشان فشار بیاورند که جمهوری اسلامی را طرد کنند و روابط سیاسی شان را با دولت ایران قطع کنند.

البته این يك جنبه مهم مبارزه سیاسی ما علیه جمهوری اسلامی و در ارتباط با جنبش کارگری در سطح جهان و جلب وسیعترین حمایت ها در سطح بین المللی است. بر همین اساس ما سیاست تحریم سیاسی جمهوری اسلامی و اخراج آن نه تنها از آی ال او بلکه از همه نهادها و از جمله سازمان ملل و سازمانهای وابسته به سازمان ملل و غیره را فعالانه به پیش میبریم. بنابراین همانطور که اشاره کردم، ما تلاش میکنیم که این موضوع را به بحث این اجلاس و نمایندگان اتحادیه های کارگری در این اجلاس تبدیل کنیم. در واقع این کارزار مهمی است که ما امروز در دستور داریم و به نظر من پیشبرد این اعتراض جایگاه مهمی در جنبش کارگری و در جنبش اعتراضی مردم در ایران دارد. این کارزار در واقع صدای اعتراض کارگران ایران در سطح جهانی است. ما با تمام قدرت برای آن تلاش میکنیم.*

اجلاس گروه ۲۰ و آلترناتیوها



محمد کاظمی

اتفاقاتی که در اجلاس جی بیست و یادر حول وحوش آن رخ داد همگی قابل پیش بینی ویا دراصل در ادامه روندهایی بود که قبلا بوجود آمده بودند. در اردوگاه سرمایه داران، سمینار جی بیست در ادامه جلسه فورم جهانی اقتصادی در فوریه همین امسال و یا جلسات دیگری بود که به منظور غلبه به سردرگمی در میان دولت های سرمایه داری برای مقابله با بحران سرمایه داری ویا به عبارت بهتر به منظور چگونگی ادامه استثمار نیروی کار بوجود آمده بودند. در جلسه فورم جهانی اقتصادی، به طور نمونه، نخست وزیران کشورهای چین و شوروی با حمله غیر مستقیم به آمریکا، آنرا متهم به تسریع کردن بحران جهانی کردند. آقای پوتین از این هم فراتر رفته به ایده "جهان یک قطبی" حمله کرده و خواهان پایان دادن به تسلط دلار آمریکا شد. نمایندگان سایر کشورها با ابراز ملاحظات و انتقادات مشابه ای نظیر "خطر سوداگری" و یا "اقتصادهای بزرگ بازارهای سرمایه جهانی را برای خود اختصاص می دهند" مستقیم ویا غیر مستقیم تسلط مالی کشورهای بزرگ سرمایه داری و بخصوص آمریکا را زیر سوال بردند.

دارودگاه کارگران و مردم زحمتکش، تظاهرات صد ها هزاران نفره، درنومه فرانسه چند میلیونی، و در قلم اروپا دیگر می رود که بیک امر عادی تبدیل شود. این را خود روسای سرمایه داری و مدیای غرب قبلا اقرار کرده بودند. منجمه، آقای سرکوزی رئیس جمهور فرانسه در دسامبر سال ۲۰۰۸ و با مشاهده شورشهای شهری در یونان به شورای وزاری فرانسه اعلام کرده بود که بحران اقتصادی باعث موج تازه ای از "مبارزه جویی" در اروپا خواهد شد. یا اینکه روزنامه لیبراسیون در رابطه با تظاهرات و اعتصابات دانشگاهیان در دهم فوریه نوشته بود که حرکتی که فرانسه را تکان داده است می تواند مشابه جرقه ای که آتش را روشن میکند عمل کند. اما تا آنجا که به جنبش رفرمیستی-اتحادیه ای برمیگردد، اتفاقاتی نظیر "مردم را مقدم بدارید" ویا "

این فاکتورها، آن فراداد های نظامی، سیاسی-اقتصادی که بر مبنای هژمونی سرمایه دار آمریکا شکل گرفته بودند رابی خاصیت کرده بود. دنیای سرمایه داری اکنون ساختار دیگری را می طلبید. ولی سرمایه داری آمریکا هم چنان در پی ابقای رهبری خود بود. حمله عراق به کویت فرصت مناسبی برای آمریکا فراهم آورد تا آمریکا با بمباران کردن مردم بی دفاع عراق قدر قدرتی خود را نه تنها به دولت عراق بلکه به رقبای خود در دنیا نشان دهد. طرح "نظم نوین جهانی" در آستانه حمله ارتش آمریکا به عراق چیزی جز تلاش مذبوحانه آمریکا برای اعاده هژمونی خود بر دنیا نبود. در این جا خوانندگان ارجحند را به مطالعه نوشته باارزش منصور حکمت تحت عنوان "طلوع خونین نظم نوین جهانی" مراجعه می دهم. اما آمریکا نه تنها در این کار موفق نشد بلکه دو حمله آمریکا به عراق چیزی جز بی آبرویی برای دولت آمریکا بجا نگذاشت، در حالیکه مساله هژمونی در دنیای سرمایه داری و توافق به ساختار اقتصادی-سیاسی جدید هم چنان بلا جواب مانده بود. بحران اخیر سرمایه داری که دیگر در پایان سال ۲۰۰۸ کاملاً آشکار شده بود بار دیگر اختلافات دولت های سرمایه داری را هر چه بیشتر بجلوی صحنه راند. در این بستر است که اختلافات و سردرگمی در سمینار جی بیست باید مورد بررسی قرار بگیرد.

اوباما، شیری بی پال و کوبال در اجلاس جی بیست

اوباما در مسافرت پیشین خود و در هنگامی که هنوز نامزد ریاست جمهوری آمریکا بود با استقبال هزاران نفره مردم اروپا مواجه شد. در آن هنگام نه تنها مردم عادی اروپا بلکه خیلی از روسای اروپا به اوباما و دولت آمریکا دل بسته بودند که هم چون دوران بعد از جنگ جهانی دوم دولت آمریکا "ناجی" حل بحران سرمایه داری شود. خیلی ها اوباما را با روزولت رئیس جمهور آمریکا در زمان بحران سالهای دهه سی و اجلاس جی بیست را با کنفرانس برتون وود مقایسه کردند. در صورت درستی این مقایسه و بقول یکی از اقتصاددانان و به نقل قول از مارکس تاریخ دربار اول (کنفرانس برتون وود) بصورت ترازوی و دربار دوم (اجلاس جی بیست) بصورت کمندی تکرار می شود. بهر حال اوباما در

اجلاس جی بیست اعلام کرد که او چنین رسالتی را بعهده نداشته و قصد دیکته کردن سیاستهای اقتصادی دولت آمریکا را ندارد: "من به این جا آمده ام که ایده های خودمان را مطرح کنم. اما و هم چنین به ایده های دیگران گوش کنم. من برای سخنرانی نیامده ام". جواب آقای اوباما به حملات مخالفان خود، آقای سرکوزی و خانم مارکل از فرانسه و آلمان که با صرف بودجه بیشتر برای راه اندازی اقتصاد جهانی مخالفت کردند نه پا فشاری بر ایده خود و اعمال هژمونی آمریکا بلکه مصالحه با آنها بود. "ما هم احتیاج به راه اندازی و هم احتیاج به مقررات مالی داریم... آنچه که حایز اهمیت است این است که ما حامل پیام وحدت در مقابل بحران باشیم. "علی رغم شارلاتنیسم مدیای غرب و به خصوص آقای گلدن براون نخست وزیر انگلیس در موفق بودن اجلاس جی بیست، شاید این جمله فایننشال تایمز لندن بخوبی بازگوکننده شکست این اجلاس باشد: "شکست سمینار جی بیست برای رهبران جهان دردناک تر از آن بود که فکر آن را بکنند. و براون جلسه را با طوفان ارقام بزرگی به پایان برد تا این حقیقت را که رهبران جهان بر سر افزایش بیشتر تحریک مالی fiscal stimulus به توافق نرسیده اند را بپوشاند."

رادیکالیسم توده ای اسیر جنبش رفرمیستی/ اتحادیه ای

همزمان با همه گیر شدن بحران اخیر سرمایه داری در زمستان سال گذشته، اروپا شاهد چندین تظاهرات هزاران نفره بوده است. منجمه در فوریه امسال و در کشور ایرلند با جمعیت چهار میلیونی صد هزار نفر تظاهرات کردند که روزنامه تایمز آن را "دریای خروشان خشم" مردم توصیف کرد. آنچه که همه این تظاهرات را بهم مرتبط می کند شعارهای رادیکالی نظیر، "ما بهای بحران را نمی پردازیم"، "بگذارید روسا بهای بحران را بپردازند"، "سرمایه داری نمی تواند اصلاح شود" میباشد. اما این تظاهرات علیرغم تمام رادیکالیسم آنها هم چنان در چنگال جنبش رفرمیستی باقی مانده اند. منجمه، سازمان دهندگان تظاهرات سی ام مارچ لندن گروه "مردم را مقدم بدارید" بود که صد و پنجاه گروه و سازمان از آن

حمایت کرده بودند. سازمان دهندگان این تظاهرات اگرچه خواهان پایان دادن به فقر و نابرابری بودند ولی بر این باور بودند که این کار با توسل به رهبران جی بیست امکان پذیر می باشد. در نظر مردم را مقدم بدارید" ایراد اساسی به سیستم سرمایه داری و بازار آزاد بجز بر نحوه " اداره غیر دمکراتیک" آن وارد نیست. در نتیجه با "دمکراتیزه کردن" بنگاههای اقتصادی نظیر آی.ام. اف. و بانک جهانی امکان این وجود دارد که بازار را بطریقی سازمان داد که به نفع اکثریت کار کند نه تنها برای عده معدودی. "فورم مترقی جهانی" یکی دیگر از ائتلافات رفرمیستی است که درست بعد از پایان اجلاس جی بیست بوجود آمد. این فورم که مرکب از دوهزار نفر از سیاستمداران، اتحادیه گرایان کارگری و نمایندگان ارگانهای بین المللی می باشد با فراخوان "معاهده جدید جهانی" در پارلمان اروپا تشکیل جلسه داد. بنظم در آوردن سرمایه مالی، تقسیم عادلانه سهم درآمد بین کار و سرمایه از خواسته های این فورم "مترقی" می باشد. اگر دیروز جنبش رفرمیستی بدنال "رهبران" و روسای کشورهای خود شعار حمایت از محصولات داخلی (پروتکشنیزم) را می داد امروز که بازار به نظم در آوردن سرمایه مالی و دموکراتیزه کردن بانک جهانی و آی.ام. اف. داغ است این جنبش نیز همین را می گوید. برآستی که این بحران نشان داد که جنبش رفرمیستی راهی بجز دنباله روی و گدایی کردن از درگاه سرمایه روش دیگری را برای "مبارزه" یاد نگرفته است.

در خاتمه

تظاهرات چند ماهه اخیر در اروپا برآستی نشانه ای از "دریای خشم خروشان" توده ها بوده است. مردم کارکن و زحمتکش با "پاهای خود" و با شعارهای خود تنفر و انزجار خود را از نظام سرمایه داری نشان داده و برآستی در هیبت "گورکنان نظام سرمایه داری" درآمد اند. ولی این جنبش سراسری و میلیونی هم چنان اسیر رفرمیسم جنبش اتحادیه باقی مانده است. آنچه که دنیای غرب بیش از هر زمان دیگر به آن نیازمند است رهبری احزاب کمونیست-کارگری است تا تکلیف این نظام را یکسره کرده و آنرا برای همیشه بگورستان تاریخ بسپارند.*

تعرضات دولت آلمان به حق پناهندگی را باید عقب زد!

زد و بند و معامله دولت آلمان با جمهوری اسلامی محکوم است!

در ادامه تعرضات دولت آلمان به پناهندگان، دولت این کشور با تصویب و به اجرا گذاشتن مجموعه ای از قوانین و سیاست های ضد پناهندگی، زندگی و اقامت پناهندگان ایرانی در آلمان را مورد هدف قرار داده است.

طبق قانون و مقررات مربوط به "بازنگری مجدد"، پرونده های بسیاری، از جمله پرونده های پناهندگان ایرانی که در آلمان از حق اقامت برخوردار بوده اند، با توجه به آنچه "شرایط جدید ایران" خوانده شده است، مجدداً بررسی می شوند. بر این اساس عده زیادی در خطر اخراج قرار می گیرند. براساس گزارشات

وزارت داخله و ارگانهای دولتی مرتبط با امور پناهندگی در طول دو ساله گذشته، نزدیک به ۲۰۰۰ پرونده که دارای اقامت نامحدود در آلمان بوده اند، دوباره بازنگری شده و حق اقامت دائم آنها بازپس گرفته شده است. در موارد بسیاری به پناهندگان سیاسی اعلام شده است که ایران برای آنها امن می باشد و می توانند به ایران برگردند.

اعلام امن بودن ایران در حالیکه اعدام مخالفین یک تهدید دائمی است و پیوسته اجرا شده است. دستگیری و اذیت و آزار فعالین کارگری و فعالین حقوق اجتماعی و همچنین سنگسار و اجرای

مجازاتهای بیرحمانه اسلامی، بازداشت و دستگیری دانشجویان و حمله به زنان بی وقفه ادامه دارد، یک دروغ بیشمارانه است. این دروغ وقیحانه قرار است که سازش و مماشات دولت آلمان و جمهوری اسلامی را توجیه کند. بازپس گرفتن اقامت پناهجویان گریخته از جهنم جمهوری اسلامی نتیجه یک معامله بیشمارانه با جمهوری اسلامی است.

هر گونه روابط سیاسی و دیپلماتیک با رژیم جمهوری اسلامی باید قطع شود. جمهوری اسلامی ایران باید از کلیه مراجع بین المللی اخراج و سران آن بخاطر جنایاتی که طی سی سال حاکمیت شان مرتکب

شده اند، در دادگاههای بین المللی محاکمه شوند.

مردم آزاده!

زد و بند و معامله دولت آلمان با رژیم جمهوری اسلامی در مورد پناهندگان را باید به یک رسوائی برای این دولت بدل کرد. نباید اجازه داد که هزینه این سازش را پناهندگان بپردازند. حزب کمونیست کارگری ایران هرگونه سازش و مماشات با جمهوری اسلامی را محکوم می کند و در مقابل آن خواهد ایستاد.

طرح بازنگری حق پناهندگی باید فوراً پس گرفته شود، بازپس گیری پاسهای پناهندگی باید بی

درنگ متوقف گردد، همه فراریان و گریختگان از رژیم اسلامی باید از حق اقامت دائم و امنیت برخوردار باشند و حق پناهندگی برای کلیه کسانی که از ایران گریخته اند برسمیت شناخته شود.

برای به عقب راندن این تعرضات دولت آلمان باید مبارزه ای گسترده و وسیعی را سازمان داد. ما همه انسانهای آزادیخواه و سازمانهای مدافع حق پناهندگی و حقوق انسانی را فرا می خوانیم که به این سیاستهای ضد انسانی دولت آلمان اعتراض کرده و آن را محکوم نموده و در مقابل آن ایستادگی کنند.

تشکیلات خارج کشور

حزب کمونیست کارگری ایران- آلمان
۱۷ آوریل ۲۰۰۹

اعتصاب قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه مدیریت را عقب راند

کارگران خواهان آزادی علی نجاتی شدند

متحد و یکپارچه تا رسیدن تمامی مطالبات خود از جمله آزادی بدون قید و شرط علی نجاتی و پایان دادن به اذیت و آزار رهبران کارگری و مسئولین سندیکا فری می خواند و از همه مردم می خواهد که با تمام قوا از کارگران نیشکر هفت تپه حمایت کنند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ فروردین ۱۳۸۸، ۹ آوریل ۲۰۰۹

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه از مدتها پیش نامه اجرای طرح طبقه بندی مشاغل را از وزارت کار گرفته بود و مدیریت علیرغم دریافت این نامه، آنرا مسکوت گذاشته بود و از اجرای آن سر باز می زد. همچنین مدتی بود که زمزمه هایی در رابطه با قطع اضافه کاریها در کارخانه شنیده شده بود.

حزب کمونیست کارگری همه کارگران نیشکر هفته را به مبارزه ای

اعتصاب، مدیریت اعلام کرد اضافه کاریها قطع نخواهد شد و دستمزدهای معوقه طی ۴۸ ساعت آینده پرداخت خواهند شد. در رابطه با خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، مدیریت برای اجرای آن فرصت خواست. با این وعده ها، کارگران به اعتراض خود که از ساعت ۷ صبح شروع شده بود، در ساعت ۱۱ صبح پایان دادند.

لازم به یادآوری است که

طرح طبقه بندی مشاغل، کارگران اعتصابی همچنین همبستگی خود را با کارگران لوله سازی اهواز اعلام کردند. مدیریت که با اعتراض متحدانه کارگران روبرو شده بود، خود را مجبور دید در جمع کارگران حاضر شود و قول داد کلیه مطالبات مالی را تا ۴۸ ساعت آینده عملی کند و خواست های دیگر را نیز مورد بررسی قرار دهد. گزارشات بعدی حاکی است که پس از شروع

بنا به گزارشهای رسیده، حدود ۴۰۰ تن از کارگران شاغل در قسمت تولید شرکت نیشکر هفت تپه صبح روز ۱۸ فروردین ماه دست از کار کشیدند و در مقابل دفتر مدیریت این شرکت تجمع کردند. مطالبات کارگران در این حرکت اعتراضی عبارت بود از آزادی علی نجاتی رئیس هیأت مدیره سندیکای کارگران، پرداخت حقوق معوقه دو ماهه، عدم قطع اضافه کاری و اجرای

از صفحه ۱ تطهیر قاتلان کارگران ...

برعهده گرفت.

این اظهارات باید مایه شرمساری و افتضاح برای سازمان بین المللی کار باشد. مانند این است که دفتر ژنرال پینوشه اعلام کند که رژیم ایشان در سازمان عفو بین الملل "نقش محوری" دارد و به ریاست کنفرانس جهانی و سالانه آن "انتخاب" شده است! یا اینکه وزیر رژیم هیتلر اعلام کند دولت متبوع او را به ریاست کنفرانس جهانی برای رسیدگی به امور یهودیان و قربانیان نژادپرستی "انتخاب" کرده اند!

جمهوری اسلامی رژیمی است که به صدها هزار کارگر حتی همان مزد ناچیزشان را ماهها پرداخت نکرده است. این رژیمی است که فعالین کارگری را به جرم برپایی اول

نظر کند؟

طی تماس های غیر رسمی که با برخی مقامات آی ال او داشته ایم گفته اند که "ریاست کنفرانس جهانی کار از پیش معلوم و قطعی نیست و روز اول کنفرانس تعیین میشود". در عین حال پنهان نکرده اند که "مشاورت هایی در جریان است". ولی هرچه پشت اظهارات جهرمی و ریاست کنفرانس امسال سازمان جهانی کار باشد، یک واقعیت مسلم است. رژیمی که باید همچون رژیم آفریقای جنوبی بخاطر تبعیض وحشیانه اش علیه زنان و بخاطر جنایت هر روزه اش علیه جامعه و بویژه طبقه کارگر در ایران از همه سازمانهای بین المللی و بویژه سازمان بین المللی کار اخراج شود، حالا جای خود را آنقدر خوش می بیند که از قول وزیرش با اطمینان

میگوید که برای ریاست کنفرانس آتی "آی ال او" انتخاب شده است!

ما اعلام میکنیم که اجازه نمی دهیم تا جنایتکاران اسلامی حاکم بر ایران چنین بیشمارانه و در سطح بین المللی تطهیر شوند. جای این حضرات در دادگاه های بین المللی جنایت علیه بشریت است. حزب کمونیست کارگری همه کارگران و مردم جهان و بویژه کارگران و معلمان و زنان و جوانان در ایران را فرامیخواند تا وسیعاً به افتضاح حضور جمهوری اسلامی در کنفرانس بین المللی کار اعتراض کنند. ما همه نمایندگان کارگری شرکت کننده در نود و هشتمین کنفرانس جهانی کار را فرامیخوانیم تا در کنار کارگران و مردم ایران خواهان اخراج رژیم آدمکش و ضد کارگر، رژیم آپارتاید جنسی از آی ال

او شوند. ما همه مردم آزاده ساکن اروپا و بویژه سوئیس را فرامیخوانیم تا روز اول کنفرانس بین المللی کار (سوم ژوئن) همراه با حزب کمونیست کارگری در ژنو حاضر باشند و علیه حضور جمهوری اسلامی در این کنفرانس اعتراض کنند.

ما مصمم هستیم تا به نیروی کارگران و مردم ایران و جهان، جمهوری اسلامی را از سازمان جهانی کار اخراج کنیم و اجازه ندهیم دنیا به حضور رژیم های ضد بشری چون جمهوری اسلامی در نهادهای بین المللی گردن بگذارد. در اطلاعیه های بعد جزئیات اقدامات و فراخوانهای خود برای برپایی یک اعتراض گسترده را به اطلاع خواهیم رساند.

حزب کمونیست کارگری

۹ آوریل ۲۰۰۹، ۲۰ فروردین ۱۳۸۸

کانال جدید به کمک مالی شما نیاز عاجل دارد

تلفن و آدرس تماس برای کمک مالی:
از ایران:

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸
Shahla_daneshfar@yahoo.com

تلفن تماس در اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
حسن صالحی: ۰۰۴۶۷۰۳۱۷۱۱۰۲

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

شماره حساب سوئد:

Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین می‌توانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

شماره حساب آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

شماره حساب کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
4900Dixie Rd, Mississauga
L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN:
GB77 NWBK 6024 2345 4779 81
BIC: NWBK GB 2L

لیست بیستم: ۹ آوریل ۲۰۰۹

از همه دوستان عزیز که در روزهای اخیر به کمک کانال جدید شتافته اند صمیمانه قدردانی میکنیم و همه مردم آزاده را به پیوستن به صف حامیان کانال جدید فرامیخوانیم.

لیست کمک های مالی روزهای اخیر به تلویزیون کانال جدید:

۱- مجید فرجیان	۲۰۰۰ کرون
۲- مهتاب	۵۰۰ کرون
۳- رضا از دانمارک	۵۰۰ کرون
۴- تینا	۵۰۰ دلار
۵- پارسا از هوستون	۵۰ دلار
۶- حسن گلزاری	۳۰ دلار
۷- سعید صالحی نیا	۱۰۰ دلار
۸- بهرام سروش	۷۰۲۰ پوند
۹- واهیک هاراتونیان	۴۰۰۰ یورو
۱۰- جلیل جلی	۶۰۰ پوند
۱۱- رضا مرادی	۶۰۰ پوند
۱۲- شیوا محبوبی	۲۰ پوند
۱۳- سعید پرت	۲۰ پوند
۱۴- اصغر کریمی	۲۰ پوند
۱۵- سهیلا شریفی	۱۰۰ پوند
۱۶- حسن صالحی	۵۰۰۰ کرون
۱۷- واحد حزب در گوتنبرگ سوئد	۱۰۰۰۰ کرون
۱۸- فروغ ارغوان	۵۰۰ دلار
۱۹- رزگار رضائی	۱۰۰۰۰ کرون
۲۰- واحد حزب در مالمو	۵۰۰ دلار
۲۱- واحد دالاس	۳۵۵ دلار
۲۲- بهمن خانی	۵۰۰ یورو
۲۳- تورج آمریکا	۳۵۰ دلار

از ایران:

۲۴- حوزه انترناسیونال	۶۰۰ هزار تومان
۲۵- دانشجوی تبریزی	۱۰۰ هزار تومان
۲۶- عیدی جمع آوری شده توسط حوزه انترناسیونال	۳۵۲ هزار تومان
۲۷- خانم آرمین	۴۰۰۰۰۰ تومان
۲۸- خانم دامون	۴۰۰۰۰۰ تومان
۲۹- خانم فرشته	۴۰۰۰۰۰ تومان
۳۰- علی رحمانی	۱۱۰۰۰۰ تومان

یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید

Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی

تلفن تماس و
شماره حسابهای
کمک مالی:

کمک های خود را می‌توانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیس:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 639 60 60-3
صاحب حساب IKK

آلمان:

Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

اگر از ایران ارسال می‌کنید:
می‌توانید از طریق دوستانتان

در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم.

تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

سوسیالیسم

با خیز!

برای

رفع تبعیض

صدای مردم در کانال جدید

**اول ماه مه،
۱۱ اردیبهشت،
روز تظاهرات سراسری**

برنامه ای از رضا مرادی

سلام آقای مرادی، میخواستیم به مردم فراخوانی بدم که ۱۱ اردیبهشت همه باهم متحد باشیم و ترسیم. آخه تا کی میخواهیم به این وضعیت ادامه بدیم؟ من تمام دوستانم را با این کانال آشنا کرده ام و برای اول ماه مه هم برنامه داریم. من خیلی دوست دارم عضو حزب باشم و حتما میشم.

مردی از ایران سلام عرض کردم آقای رضا. منم رضا هستم یک کارگرم و روز جهانی کارگر را به تمام بشریت تبریک عرض میکنم مخصوصا به تمام اعضای حزب کمونیست کارگری. اون روز روز فریاد ماست، روز فریاد گرسنگان است. روز فریاد کارگران است و روز از بین بردن سیستم کار مزدی است، روز اعتراض به حکومت مذهبی است، روز اعتراض به اعدام و به سنگسار است. ای مردم بخود آبیید که ما انقلاب نکرديم برای سرمایه دارتر شدن سرمایه داران، ما انقلاب کردیم برای شادی و خوشی و برای آزادی. زنده باد سوسیالیسم پرچم رهایی بشریت. خیلی ممنون از این وقتی که بمن دادید.

کارگری از ایران سلام آقای رضا. من میخوام عضو حزب بشم ولی در این مملکت حزب شما تبلیغات زیادی نداره که کدام کتاب را کدام نوشته را بخونیم و عضو حزب بشیم؟ ولی من تمام برنامه های حزب را میبینم.

مردی از ایران سلام رفیق مرادی. زنده باد سوسیالیسم، زنده باد حزب کمونیست کارگری و زنده باد آزادی. من ۲۲ ساله هستم از دشت مغان. جمهوری اسلامی یک کاری کرده که مردم به جان هم بیافتند، ملی گرایی را بیشتر کرده و جون مردم را بلب آورده. استرس دارم نمیدونم چی بگم ولی باور کنید اونقدر عذاب کشیدیم که دیگه هیچ جای مثبتی در این سیستم نمیبینیم. در همین دشت مغان توی دهات ما بالای ۵۰۰ خانوار بود ولی الان ده خانوار بیشتر نمونده! نفرین باد براین جمهوری اسلامی. نفرین باد بر این مذهب و نفرین باد بر این ملی گرایی و نفرین

باد بر این ناسیونالیسمی که برای مردم بوجود آوردند. تازه با کانال تون آشنا شده ام و مطمئن باشيد که صدای شما صدای ماست و من با کمال افتخار در روز کارگر نزدیک ترین شهر شرکت خواهم کرد. ما چندین گروه هم درست کردیم و با گروه انترناسیونال دامون هم کار میکنم.

پسر جوانی از دشت مغان سلام دوست عزیز. میتونم ترکی حرف بزوم چون فارسی برای من مشکل است. از آذربایجان غربی حرف میزنم. ما از این رژیم اصلا راضی نیستیم چونکه برای مردم هیچ کار خوبی نکرده. ببخشید نمیتونم فارسی خوب صحبت بکنم. من قبول دارم که عضو حزب بشم.

مردی از آذربایجان غربی سلام آقای مرادی. سلامتی؟ خوبی؟ منم برای روز کارگر آماده هستم. جمهوری اسلامی پیش رو گذاشته روی حق مردم فقط داره حق مردم رو میخوره. اینها حق ما رو دادند به این و اون. روز کارگر هر ساعتی که بگید من در خدمتم. من عضو حزب هم هستم. پرچم شیر خورشید را هم میاریم.

مردی از ایران سلام خسته نباشید. بنظرم شما طرفداران زیادی دارید و خیلی ها برنامه های شما رو نگاه میکنند و بهتر است که برنامه تان را برای متحد شدن مردم بگید و کسانی که بشما زنگ میزنند و طرفداری میکنند اینها را از طریق برنامه های زنده تان باهم مرتبط کنید و هماهنگ کنید و یا اگر تماسهای مشخصی بعنوان افراد ضد رژیم یا کمونیست دارید همه را بهم مربوط کنید تا متحد عمل کنند. منم از طرفداران پر و پا قرص و سرسخت حزب شما هستم میخوام عضو شما بشم. در مورد برنامه خودمون بگم که در استان لرستان و خرم آباد بیشتر کارخانه ها را بسته اند و کارگر به آن صورتی که باید باشد نیست و به شهرهای دیگر مثل بروجرد و غیره هم اشراف زیادی ندارم و بنظرم اکثر کارگران دارند دستفروشی میکنند.

مردی از لرستان سلام آقای مرادی. من میخواستیم به اون آقایایی که گفتند: مارکس از قرن ۱۷ آمده گفته انسان باید آزاد بشه و کارگر باید آزاد بشه و شما بمن یک کشور نشون بدید که تمام این

چیزهایی که شما میگوید در اون باشه، اولاً به او بگم که مارکس در قرن هفده نبود بلکه نوزده بود، این اولین اشتباهی که این آقا کرده. بعلاوه اینکه کارگران هر روز مبارزه کردند و این دستمزدهایی که در اروپا و آمریکا به کارگران میدهند و یا ۳۵ ساعت کار در هفته و یا بیمه و غیره، همه اینها دستاوردهای مبارزات مارکسیستها و کمونیستها و کارگران بوده. بعد ایشون میگن که: چرا یک کشور کمونیستی وجود نداره، شما بمن نشون بده که هزاران سال زنان مبارزه کردند ولی یک کشور نشون بدید که زنان با مردان برابر باشند؟ طبق گفته این آقا پس زنان نباید دیگه مبارزه کنند بخاطر اینکه هزاران سال مبارزه کرده اند و هیچ کشوری هم وجود نداره که زنان و مردان برابر باشند و در نتیجه بگیم که مبارزات زنان باید تعطیل شود! کمونیستها مبارزه کردند و اگرچه انقلابشان با اتحاد امپریالیستها شکست خورد ولی هنوز هم دستاوردهای آن انقلاب جزو حقوقهای اولیه مردم غرب ست و ما میخوایم این را ارتقا بدیم و مساوی بکنیم در افغانستان و ایران و کشورهای اسلام زده. در نتیجه مبارزه پایان پذیر نیست برای اینکه هنوز آزادی و برابری برقرار نشده در جهان و ما باید آزادی زنان را در جامعه بوجود بیاریم اگرچه در هزاران سال هنوز بوجود نیومده.

مردی از آلمان سلام آقای مرادی. زنده باد روز همبستگی کارگران روز کیفر خواست جمهوری اسلامی. کارگران مبارزات پر دستاورد و تجربه ای را پشت سر گذاشته اند و این مبارزات هم اکنون رنگ و بوی جدید بخود گرفته است و جنب و جوش در محیط های کارگری بیش از هر گذشته ای بالا گرفته و امیدوارم ادامه اش به روز کارگر امسال هم کشیده شود و توجه سازمانهای کارگری را بخود جلب کند و امسال با یک اتحاد سراسری اعتصاب و تظاهرات کارگری داشته باشیم و در

اینروز کارگران یک همبستگی بزرگ و قدرتمندی را بنمایش بگذارند و مشت کوبنده ای به جمهوری اسلامی بزنند. در اول ماه مه امسال میتوان با پلاتفرم و پرچمهای سرخ تمام شهرها را بصدا و حرکت درآورد. در این روز صدای ارتش سرخ جوانان و زنان و کارگران باید شنیده شود و روز قدرتمندی باشد. ما باید برهبری حزب کمونیست کارگری این روز را به بهترین شکلی برگزار کنیم. زنده باد اول ماه مه.

مردی از ایران سلام آقای مرادی. روز کارگر روز همه

مردم زحمتکش است اعم از زنان و دانشجویان و معلمان و کارگران و جوانان، و کل جامعه در این روز میتونه در قبال حکومت جور و فساد و جنایت و سرمایه همبسته بشه و اعلام وجود بکنه. مردم مدتهاست که اعلام میکنند که روزی را معین کنید که ما دست به مبارزات جمعی بزنیم، خب کانال جدید کانال انقلاب بهترین روز را انتخاب کرده برای متشکل کردن مردم. و اما در جواب این خانمی که گفت در ایران آزادی است، بگم که شما پیر شدن را آزادی میبینید، شما در تنگ آب شنا میکنید ولی اقیانوس را نمیبینید! آزادی در واقع اقیانوس است، اقیانوسی از آب است ولی شما مثل اون ماهی در تنگی از آب شنا میکنید آنهم در محدوده آوندها و فکر میکنید که آزادی هست. جمیع مردم ایران از این خوان و نعمت جامعه ایران محرومند، حالا تو این آب اقیانوس را نمیبینی و فقط تنگ آب خودت رو میبینی؟! متشکرم. زنده باد حزب کمونیست کارگری. زنده باد اول ماه مه، زنده باد یازده اردیبهشت، زنده باد کانال انقلاب.

مردی از شیراز الو سلام و مرسی از برنامه خوبتان برای روز کارگر. من از اون افرادی هستم که حتما شرکت میکنم و ایکاش منطقه هایی را مشخص میکردید که همه کجا جمع بشن؟ اعتراض من به جمهوری اسلامی اینه که نسل قدیم ما انقلاب کردند و جمهوری ساختند اما چر اینها اصلا عقاید و نظر ما را در این جمهوری نمیپرسند؟ من متولد بهمن ۵۷ هستم ولی از جوانیم هیچ چیزی متوجه نشدم. (قطع شد)

زنی از استان گلستان گرگان سلام آقای رضا. جوانی اومد گفت که: حکومتای کمونیستی با جمهوری اسلامی رابطه دارند. برادر عزیز حکومت سوسیالیستی یعنی حکومت مردمی. این حکومتهایی که شما میگوید فقط اسم سوسیالیسمش را یکدک میکنند. آنها همانقدر مردمی هستند که حکومت ایران اسلامی مردمی هست. اونها نه تنها به مردمشان ظلم میکنند مثل حکومت ایران حتی آبروی واژه ها را هم برده اند و البته اگر از این واژه های دهن پر کن و گوش پر کن استفاده نکنند مثل جمهوری اسلامی که از خدا استفاده میکنه پس چه جوری میخوانند مردم را فریب بدهند؟ همه آن نوع سوسیالیستها و اسلامیهها و امپریالیستها و غیره همه شان کسک است و بر ضد انسانیت است. اکنون دنیا را پر از ظلم و جور گرفته و بهترین طرحی که اعلام شده همین

طرح و برنامه حزب و کانال جدید است. من بیشتر برنامه هاشو گوش دادم. امیدوارم روز کارگر سراسری و پیروزمندی داشته باشیم.

مردی از ایران سلام. روز جهانی کارگر را به حزب کمونیست کارگری و همه کارگران ایران تبریک میگم. فراخوانی دارم برای همه دانشجویان و کارگران و معلمین و زنان و جوانان و همه اقشار زحمتکش جامعه برای اتحاد در کنار حزب کمونیست کارگری و برقراری روز یازده اردیبهشت و برای آزادی همه زندانیان بخصوص کارگران زندانی و آقای علی نجاتی رئیس سندیکای نیشکر هفت تبه. برای شما هم تبریک عرض میکنم و زنده باد منصور حکمت و درود بر حمید تقوایی. ممنونم.

پسر جوانی از ایران **اول ماه مه،
۱۱ اردیبهشت،
روز تظاهرات سراسری**

برنامه ای از اصغر کریمی

سلام آقای کریمی. درود بر شما. میخوام عضو حزب بشم و در تظاهرات ۱۱ اردیبهشت شرکت کنم. مردی از کرمانشاه سلام عرض کردم آقای کریمی. من خودم یک کارگرم و میخوام در روز کارگر شرکت کنم. (قطع شد)

کارگری از ایران سلام و خسته نباشید. خیلی ممنون که اینهمه با برنامه های خوب برای مردم وقت میذارید. اینهایی که میان میکنم ما خیلی راحتیم و آزادی داریم و نمیدونم رفاه داریم تماما دروغ میکنم. زمانی که انقلاب شد من ۲۵ سالم بود، (صدا قطع شد)

زنی از ایران سلام خسته نباشید آقای کریمی. همگی انشالله در یازده اردیبهشت شرکت میکنیم و ما حمایت خودمان را از شما و از مردم اعلام میکنیم.

مردی از مشهد الو سلام. آقای کریمی این رژیم ما رو بدبخت کرده، پسرم ارتشی بوده و بدست یک آخوندی اخراج شد و الان از حقوق و از زن و بچه اش افتاده و مونده نمیدونه چکار کنه. بله ما خیلی ناراحتیم و در روز کارگر شرکت میکنیم.

زنی از تهران الو کانال جدید؟ سلام علیکم.

از صفحه ۸ صدای مردم در کانال جدید ...

خواستم در جواب اونهایی که میگفتند چرا شما کارگران را وادار میکنید که تظاهرات کنند و بریزند به خیابونها، بگم که هر کسی که حقوق و خواسته هاش برآورد نمیشه حقش هست که بریزه توی خیابون و اعتراض کنه. من از خوزستان تماس میگیرم، همین امروز ساعت سه بعد از ظهر در شهرستان آبادان در ایستگاه ۴ یک کارگر اداره برق را که نه دستکش ایمنی داشت و نه کلاه ایمنی متاسفانه برق گرفت و افتاد و مرد، و تازه یکساعت بعد بود که آمبولانس اومد و بردش! بله کارگران وقتی مشکل دارند و حتی دچار مشکل میشوند تقصیر کانال جدید نیست بلکه تقصیر رژیم است و کانال جدید بعنوان یک راهنما در بهبود زندگی و خواسته های آنها دخالت میکنه. کارگران باید ببینند بیرون و خواسته هاشون را با صدای بلند اعلام بکنند. اون خانمی که اینجور صحبت میکنه، یا در ایران زندگی نمیکند و یا چشمش رو حقیقت بسته.

زنی از خوزستان

سلام و عرض ادب دارم به آقای اصغر کریمی عزیز و ممنونم از مادر شریفم. یازده اردیبهشت روز جهانی کارگر را تبریک عرض کردم شما و به حزب و مجددا هم تبریک عرض میکنم. نکته ای بفرم کنید رسیده و شاید مفید باشه. میگویند: رسم بر آنست که عده ای نخبه باید سرمایه های کشور را در مدیریت خود داشته باشند و این سرمایه ها را بکار اندازند تا از قیل آن کارگران و معلمین و زحمتکش و دانشجویان هم از آن بهره ببرند و زندگی را در دست بگیرند! سوال اینه که آیا این نخبگان همان آقای خامنه ای است و نمایندگان مجلس هستند؟ آیا دانشجویان و کارگران و معلمین نخبه نیستند؟ آیا توده های مردم نخبه نیستند؟ اگر در مجلس بسته بشه، اگر در سپاه و ارتش بسته بشه که باید هم بسته بشه آنموقع میبینیم که نه تنها ضرری عاید مردم نمیشه بلکه تازه زندگی

و روزهای بسیار آزاد و مرفهی هم در انتظار مردم میمونه! و حالا برعکس اگر معلمین سر کلاس نروند و کارگران کار تعطیل بکنند اونوقت باید ببینیم که چه بلایی سر جامعه میاد؟ من روز جهانی کارگر را به حزب محترم کمونیست کارگری تبریک عرض میکنم و در روز کارگر من و خانواده ام در کنار همه کارگران و زحمتکش و مبارزین جامعه دوشا دوش حزب کمونیست کارگری مبارزه میکنیم بنام منصور حکمت و حمید تقوایی عزیز. مرسی از وقتی که بمن دادید.

مردی جوان

سلام آقای کریمی. یازده اردیبهشت بنظر من روزی هست که کارگران میان کبفرخواست خودشون را علیه سی سال فلاکتی که رژیم جمهوری اسلامی درست کرده اعلام میکنند. چند نفر اومدند و گفتند که مسبب دستگیری کارگران شما هستید! منم میخوام بگم که چهل نفر از کارگران در آتش سوختند، کارگرانی از خوزستان بشکل فجیعی جانشان را از دست دادند، کارگران ایران خودرو چند نفر از همکارانشان را بخاطر کار اجباری از دست دادند، کارگران خاتون آباد بخاطر گلوله های خود رژیم جانشان را از دست دادند، صدها هزار کودک خیابانی و غیره همگی حاصل سی سال عمر جنایتکار اسلامی است. میخوام بگم که مقصر اینها کی هست؟ برای پایان دادن به این ستم و بدبختی مردم نباید این فرصت را از دست بدهند و بویژه کارگران نباید این فرصت را از دست بدهند و یازده اردیبهشت بهترین فرصت هست. الان کمپین افزایش دستمزدها هست و پانزده هزار نفر این طومار افزایش دستمزدها را امضا کرده اند و روز اول ماه مه باید روزی باشد که این پانزده هزار نفر تبدیل به میلیونها نفر بشه و خواسته ها و صدای اعتراضشان را عملا بیانند و در سطح جامعه اعلام بکنند و به این وضعیتی که هست پایان دهند.

مردی از ایران

آقای کریمی سلام. در مورد اینهایی که بخود میبازند و مزاحم میشوند بگویم که شما دارید از تلویزیون صحبت میکنید اما نمایندگان سرمایه داران نمیتوانند برای شما کاری بکنند در صورتی که جمهوری اسلامی و نمایندگان رژیم پادشاهی اگر شنیده ای از شما میدهند فوراً میگیرند و دستش را قطع میکنند، اما شما از پشت اون تلویزیون دارید در خانه های مردم برای اول ماه مه فراخوان میدید و فراخوان با تظاهرات میدید و بنابراین معلوم است که اگر من هم جای این رژیم و نمایندگان سرمایه بودم وجودم بلرزه میافتاد و میدیدم که یک کانالی با چنین قدرتی داره تبلیغ میکنه و من و امثال من رو (نامفهوم). میخوام بگم واقعا اینهمه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی و طرفداران سیستم پادشاهی میایند بشیوه های مختلف بشما اعتراض میکنند حق دارند که بیایند و حرکت شما را خنثی کنند، ولی واقعا همه ما میبینیم که حرفهایشان چقدر بی معنی است. اگر برده ها برده بودنشان را قبول نمیکردند طبعاً هیچوقت برده داری سرپا نمیامند. این خانمی که اومده میگه پولدارها حقشون هست و بی پولها هم حقشون هست! یعنی داره میگه که آخوندهایی که در عمرشان یک روز کار نکرده اند و یک خونه ای نساخته اند برای نان شب خانواده شان یکبار هم نشده که زیاده های جامعه را جمع کنند حقشون هست که تمام کاخها را داشته باشند و زندانها راداشته باشند و دختر ۹ ساله را عقد بکنند و این برده داری را نگهدارند. تا زمانی که این بردگان اعتراض نکنند و این سیستم برده داری مزدی و سیستم جنایتکار را مورد اعتراض قرار ندهند طبیعی هست که حق اینها خواهد بود که برده داری کنند و صاحب ثروت باشند. در واقع بقول اون خانم، این آخوندها ده ها هزار نفر را اعدام کرده اند و میلیونها نفر را در جنگ با عراق بکشته داده اند و آواره کرده اند و در این

سی سال خون مردم رو بشیوه کرده اند اینها حقشون هست، ولی کارگرانی هم که از شش یا هفت سالگی کار کرده اند و کودکی نکرده اند و این ثروتها را ساخته اند و الان هم که پنجاه سالشان هست و نان شب ندارند و بچه شان میروند خود فروشی میکنه حقشان هست که بی پول و بیچاره باشند! کارگران و مردم زحمتکش نباید این سیستم برده داری را قبول کنند و روز کارگر بهترین فرصت برای اعتراض ماست علیه این سیستم استعمار و بردگی مزدی.

مردی از ایران

سلام اصغر عزیز. اول ماه مه را به تمام کارگران و مردم زحمتکش تبریک میگم، بعدش هم راجع به شعارها و قطعنامه های این روز باید صحبت کنیم که در سخنرانیها و تظاهرات چه بگویم و برای روزهای بعدش چه برنامه ای داشته باشیم؟ چونکه الان دیگر این روز کارگر در ایران جا افتاده و همه میدانند که روز کارگر روز جشن و اعتراض کارگران و زحمتکشان هست. باید در سخنرانیها با صدای بلند بیان کنیم که تابحال چکارهایی را انجام داده ایم و چقدر از مطالباتمان را بیان کرده ایم و به چه مقدار از این مطالبات دست یافته ایم. مسئله دیگر اینست که در رابطه با اعتصابات هفت تپه که همین دیروز اخبارش را شنیدم که رهبرانشان را دستگیر کرده اند و چندتایشان را با قید ضمانت آزادشان کرده اند و رئیس سندیکایشان را در محل نامعلومی نگهداشته اند، باید بدونیم که تا زمانی که پراکنده باشیم و نتوانیم تشکلهای واقعی خودمون را بوجود بیاریم وضع از اینهم بدتر میشه و پراکنده گی ما از اینهم شدیدتر میشه. (صدا قطع شد)

مردی از ایران

سلام آقای اصغر کریمی. پیام کوتاهی برای اول ماه مه داشتم. مارکس جمله ای دارد و میگوید که کارگران در مبارزه طبقاتی چیزی از دست نمیدهند

جز زنجیرهایی که سرمایه داری به دست و پایشان بسته. حالا میخوام به مردم ایران هم بگم که شما چیزی از دست نمیدین بجز اینهمه بدبختی و فقر و مشقاتی که جمهوری اسلامی برای شما بوجود آورده، و در این روزها باید تکلیف ما با سرمایه داری بالاخره روشن بشه. ما در این اعتراض سرنوشت سازمان جز بدبختیها و زندانها و شکنجه ها و جنگ و غیره چیزی را از دست نمیدیم. امیدوارم در روز کارگر با قدرت تمام شرکت کنیم.

مردی از ایران

آقای کریمی سلام. این رژیم هر کارگر و هر زن و هر زحمتکشی رو که مطالبه ای داره و اعتراض میکنه دستگیر میکنه، چرا؟ چرا باید انسانی را که مطالبه ای بحق داره گرفت و دستگیر کرد و زندان کرد و شکنجه کرد؟ این چه سیستمی و چه خدایی است که این جمهوری اسلامی به اون معتقد است؟ خدایی که ظالم است و قهار است و خدایی که دستور میدهد که بکشید و حق طلبان را نابود بکنید؟! این خدا یک خدایی قهار و ظالم است و جانشینش هم ولایت فقیه ست و اینها خودشان را بغلط مستضعف پناه جا زده اند و سی سال با این کیفیت مردم را فریب داده اند و سرکوب کرده اند. امیدوارم مردم و کارگران و همه کسانی که سی سال این رنج و فریب و بدبختی را کشیده اند در روز ماه مه بلند شوند و فریادشان را و مطالبات بحقشان را با صدای بلند اعلام کنند.

مردی از آلمان

این مطلب را ناصر احمدی پیاده و تایپ کرده است.

به خاطر حجم زیاد برنامه های زنده کانال جدید، ناگزیر بخشهایی از دو برنامه زنده در هفته را برای درج در انترناسیونال انتخاب میکنیم. انترناسیونال

از صفحه ۲ اوبا ما و سیاست سازش ...

که رژیم از خود بدست داده است. به یک معنی توجیه سیاسی توهم پراکنیها و سرکوبگرها و کلا علت وجودی جمهوری اسلامی، بخصوص ولی فقیه و قصاص و قوانین اسلامی و امام جمعه ها و کل ساختمان اسلامی حکومت، و بویژه موقعیت آن در منطقه و در جنبش اسلام سیاسی، همه در

گرو ضد آمریکائی گری حکومت است و هر درجه نزدیکی به آمریکا موقعیت رژیم را در تمام این وجوه تضعیف میکند و بر دامنه بحران سیاسی و اجتماعی آن میفزاید. این وضعیتی است که هر نیروی اسلامی با نزدیکی به آمریکا دیر یا زود به آن دچار خواهد

شد. جنبش اسلام سیاسی پرو غرب دیگر علت وجودی نخواهد داشت و اگر کلا مضمحل نشود کاملاً حاشیه ای خواهد شد. اگر امروز شاخه سیاسی و "خوش خیم" اسلام سیاسی را دولت های غربی در خود غرب و در کشورهای اسلامزده تحویل میگیرند از صدقه سر نیروهای اسلامی تندرو و ضد آمریکائی است. اگر اسلام تندرو مشغول سازش و مذاکره بشود

اسلامیون میانه رو هم تماماً جایگاه خود را از دست میدهند. در مورد جمهوری اسلامی این نزدیکی، که چندی پیش مفسرین سیاسی آنرا بوسه مرگ نامیدند، به معنی آغاز پایان جمهوری اسلامی خواهد بود. رژیم نمیتواند بحران رابطه با غرب را حل کند و همچنان جمهوری اسلامی باقی بماند. اگر حکومت بر کوهی از آتش فشان نشسته بود شاید میتوانست

چند صباحی در هیات حکومتیهای مثل مالکی و کزازی به عمر خود ادامه بدهد اما مردمی که تا اینجا این بحران را ایجاد کرده اند چنین اجازه ای نخواهند داد. بحران رابطه جمهوری اسلامی با غرب در واقع جزئی از بحران حکومتی رژیم اسلامی است که نهایتاً با سرنگونی رژیم بدست مردم حل خواهد شد.*

آمیزترین خبرهای دنیا باقی بماند. گویی ظنین مداوم طبل خشونت و بی حقوقی و مرگ در افغانستان باید جزو ثابت ریتم آهنگ سیاست در دنیای امروز باشد. در جمع های فوکل کراواتی حاکمان دنیا، وقتی از افغانستان صحبت میکنند سر سوزنی از مصائب و بدبختی های این مردم و گرگ گشایی از این مصیبت های سیاسی اجتماعی حرف نمی زنند. آنجا بر سر نحوه تنظیم سهام پنجه انداختن بر زندگی مردم، در بازار بورس طالبان های افغانی و ایرانی از یکسو و بوش های آمریکایی و اروپایی از سوی دیگر چانه میزنند. در همان زمان طالبان ها، اجرای خشونت بار شریعت اسلامی را علنی به نمایش میگذارند. در پاکستان و ایران افغانستانی ها را اخراج میکنند. در پشت مرزها، کانتینری از انبوه اجساد خفه شده شوربختانی که به امید کار کردن راهی ایران بودند پیدا میکنند. و باز در همان زمان در فاضلابهای پایتخت ایتالیا ۱۰۰ پناهنده افغانی را پیدا میکنند که بطرز فجیعی در مجراهای آلوده این فاضلابها روزگار سپری میکردند. این سیکل ساخته شده و اکوسیستم اجتماعی تحمیل شده ترویسستها به حیات و هستی و زندگی مردم افغانستان است.

این حلقه محاصره و رقابت خونین ترویسستها بر وجدان آزاد بشریت مدرن دنیا سنگینی میکند. راه خلاصی از این سیکل و مدار بسته زندگی دردناک میلیونها انسان در افغانستان، تنها یک راه چپ و سوسیالیستی است. دنیا بیش از هر زمان دیگر برای خاتمه دادن به این سناریوهای خونین به سوسیالیسم نیاز دارد. سوسیالیسم نه به مثابه یک تئوری و ایده رهایی بخش بلکه به مثابه یک جنبش تحریک یافته و متشکلی که برای گرفتن قدرت سیاسی و پایان دادن به تمام این مصیبتها گام بردارد. سوسیالیسم متحرکی که هدفش جارو کردن زالوهای کثیف و خونخواری چون طالبان و کرزای از صحنه سیاست حاکم بر زندگی مردم باشد. سوسیالیسمی که برای نجات انسانیت باید قدرت سیاسی را بدست بگیرد.*

تشکل مستقل کارگران ایران دفاع کرد. مسئولین و مدیران آی ال او باید بدانند که نمیتوانند با استفاده از نام کارگران کوچکترین امتیازی به جمهوری اسلامی دهند.

هفته تراژیک داغ خوردگان در افغانستان

هفته گذشته هفته پخش خبرهای تراژیکی از مردم افغانستان بود. خطه تلاقی آشکار و خونین دو قطب تروریستی دنیا. مردمی که چه در تقابلات نظامی و چه در بطن سازش ها و توافقات پنهانی، نخستین قربانی ها با دردناکترین صحنه های تراژیک اند. مردمی که محکوم اند طوق داغ لعنت بر گردن خود حمل کنند. نه جایی برای ماندن دارند و نه جایی برای فرار. وقتی میمانند با شلاق طالبان ها و جریانات اسلامی روبرویند وقتی فرار میکنند باید در کانتینرهای سرد روی هم تلنبار شده و خفه شوند. اگر از کانتینرها نیز جان سالم بدر ببرند در ایران و پاکستان گرفتار نوع دیگری از زندگی جهنمی تبعیض آمیز میشوند. وقتی به آب و آتش میزنند و از دریاها عبور میکنند که خود را به اروپا، کعبه موهوم حقوق بشر برسانند، جایی بجز زندگی دردناک در فاضلاب ها ندارند.

میلیونها دلار هزینه میکنند که اجلاس آینده افغانستان را برای یک روز سازمان دهند بدون اینکه این اجلاس قادر باشد اندک بهبودی در زندگی واقعی یک افغانستانی ایجاد کند. گویی افغانستان در صفحه معادلات سیاسی دنیا باید همواره جزو مناطق تولید و بازتولید فاجعه

روبروست. اما تا آنجا که به ریاست رژیم اسلامی بر اجلاس سالانه این سازمان برمیگردد، سازمان جهانی کار با اهدای کرسی ریاست اجلاس آی ال او به نماینده آیت الله های میلیاردر عملاً از نقطه منافع استراتژی جدید خارجی آمریکا حرکت میکند. اعطای کرسی ریاست به جمهوری اسلامی در واقع اعطای برگ زیتون آمریکا به جمهوری اسلامی است.

جمهوری اسلامی در حالی قرار است بر صندلی ریاست اجلاس سازمان جهانی کار لم دهد که در سال گذشته تعرض بی وقفه ای را به کارگران و رهبران و تشکلهایشان پیش برده است. فعالین کارگری را به جرم شرکت در مراسم اول ماه مه به شلاق بسته است، تشکلهای کارگری را سرکوب کرده است و پاسخ کارگران معترض را با گلوله و باتوم و زندان و شکنجه داده است. هنوز بسیاری از فعالین و رهبران کارگری در شکنجه گاههای جمهوری اسلامی بسر میبرند. جای واقعی این نمایندگان رژیم کارگر ستیز، صندلی های محاکمه بین المللی است. آنها را باید به جرم ۳۰ سال جنایت و کشتار و به جرم ۳۰ سال سرکوب مستمر کارگران و رهبران و فعالین کارگری به محاکمه کشاند. جای آنها در هیچ سازمان و نهاد و مرجع رسمی بین المللی نیست جز دادگاه بین المللی لاهه. این امتیازدهی به جمهوری اسلامی عملاً به معنی مشروعیت دادن بیشتر به جمهوری اسلامی برای ادامه تعرضاتش به اعتراضات، تشکلهای و رهبران کارگری میباشد. باید قاطعانه در مقابل انتخاب جمهوری اسلامی به ریاست اجلاس آی ال او اعتراض کرد، خواهان اخراج جمهوری اسلامی از آی ال او شد، خواهان آزادی فوری و بدون قید شرط کلیه زندانیان سیاسی از جمله فعالین کارگری شد و از حق



فرشاد حسینی

در حاشیه رویدادها

شاخه زیتون آی ال او به آیت الله های کارگر ستیز میلیاردر

مقابل رژیمها و دولتهای ضدکارگر همواره یک رکن اساسی سیاست سازمان جهانی کار در سازمان دادن استثمار بر کرده طبقه کارگر جهانی بوده است. سازمان جهانی کار هیچگاه سازمان مدافع منافع کارگران نبوده است. و هر جا از منافع کارگران کلمه ای گفته زیر فشار سازمان های کارگری و برای جلوگیری از عروج رادیکالیسم در درون جنبش کارگری و سازمان های کارگری جهانی بوده است.

اما امروز آی ال او در شرایطی به استقبال اجلاس سالانه خود میرود که جهان در یک بحران عمیق و ویرانگر اقتصادی ایدئولوژیک غوطه ور است و روند رشد خشم و اعتراضات کارگری در سراسر جهان، امکان بند و بست از بالا و کنترل رادیکالیسم در جنبش کارگری جهانی را به حداقل رسانده است. چگونگی کنترل رادیکالیسم در جنبش کارگری و خاموش کردن کارگران در تلفیق با سیاست ریاضت کشی هایی که دولتها تلاش دارند بر کارگران و مردم تحمیل کنند، معضل جدی و واقعی است که اجلاس سالانه آی ال او با آن

جمهوری وزیر کار جمهوری اسلامی اخیراً در دیدارش با کارکنان وزارت کار اعلام کرده است که جمهوری اسلامی به ریاست اجلاس سالانه سازمان جهانی کار (آی ال او) انتخاب شده است. وی همچنین اعلام داشت جمهوری اسلامی قرار است در بسیاری از کمیته ها و کمیسیونهای سازمان جهانی کار در اجلاس سالانه آی ال او نقش محوری بعهده بگیرد.

انتخاب جمهوری اسلامی، یکی از ضدکارگرترین رژیمهای دنیا با یک پرونده قطور جرائم و شکایات رسمی و غیر رسمی بر مسند ریاست اجلاس سازمان جهانی کار نشان از یک عقبگرد عمیق و فاحش این سازمان و تبدیل شدن علنی این سازمان به دنباله سیاستهای جدید آمریکا در بازی دیپلماسی با جمهوری اسلامی است. تقدیم کرسی ریاست اجلاس آی ال او به رژیمی که بارها توسط خود این سازمان بدلیل نقض ابتدایی ترین حقوق کارگری محکوم گردیده در بستر شکست و بن بست سیاسی اقتصادی ایدئولوژیک سرمایه داری بازار آزاد که آی ال او نیز یک رکن آن میباشد قابل توضیح است. سیاست کرنش و نرمش در

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com

نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com

سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید

مسئول صفحه بندی انترناسیونال: آرش ناصری